خبر

انتشار شماره نهم دوفصلنامه معاونت برون مرزی

نهمین شماره دو فصلنامه علمی و میان‌رشته‌ای «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» توسط واحد پژوهش‌های کاربردی معاونت برون مرزی منتشر شد. شماره جدید دوفصلنامه در ۳۳۶ صفحه و مشتمل بر ۱۱ مقاله علمی ـ پژوهشی است که به تعدادی از تحولات مهم منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط با فعالیت رسانه‌های برون‌مرزی و با تاکید بر یافته‌ها و پیشنهادهای رسانه‌ای آینده‌نگرانه پرداخته شده است. از جمله عناوین مقالات نهمین شماره پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، می‌توان به مطالعه تطبیقی دیپلماسی دیجیتال آمریکا، بریتانیا، چین و روسیه؛ پروژه‌های گاپ و داپ ترکیه از منظر حقوق بین‌الملل و رسالت رسانه‌ها؛ توئیپلماسی امارات‌متحده‌عربی درباره عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی؛ نقش اخبار جعلی رسانه‌ها در عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری با تاکید بر پرونده کنیا؛ تحریم‌های آمریکا علیه ایران از منظر عهدنامه مودت ۱۹۵۵ (با تاکید بر دیدگاه اندیشکده‌ها و رسانه‌های آمریکایی)؛ تبلیغات خصمانه در نظام آزادی رسانه‌ها در چارچوب حقوق بین‌الملل و تبیین روابط ترکیه، قطر و عربستان سعودی از دیدگاه سازه‌انگاری اجتماعی از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ (با تأملی بر نقش رسانه) اشاره کرد. بر اساس گواهی صادره از «کمیسیون بررسی نشریات علمی» وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، «پژوهشنامه رسانه بین‌الملل» از شماره چهار (سال ۱۳۹۸) دارای رتبه علمی «ب» (علمی-پژوهشی) است.

نمکی، کارگردان سریال شبکه یک

برای ثبت در تاریخ

کرده یا آقای سروش جمشیدی هم استندآپ بودند اما در این کار آنها را به‌عنوان سه کله‌پوک در کنار هم قرار می‌دهیم یا آقای فلاحی‌پور یک شخصیت جدی است و قرار است در سریال آزادی مشروط نقش طنز بازی کند یا آدم‌های جدیدتر مثل سیداحمد موسوی، ماشاءا... شاهمرادی و سامان گوران. وارد کردن برخی افراد به حوزه طنز مثل مجید قادریان که نقش فرد افغانستانی را بازی می‌کند، همگی ریسک‌هایی است که سریال می‌کند و بازیگران جدید به حوزه طنز معرفی می‌کند و کست و چیدمان جدید می‌چیند و در کنار موضوع تلخ کرونا و داشتن ماسک همگی ریسک است.

البته آمادگی این را داشتم که نسبت به کارهای دیگر که افرادی مانند امین حیایی، اکبر عبدی، محمدرضا شریفی‌نیا، ارژنگ امیرفضلی، امیر نوری و علی صادقی را نمی‌آوریم و تعدادی آدم‌های جدید معرفی می‌کنیم که برای تلویزیون یک آورده است؛ یعنی ریسک می‌کنیم و خطری را می‌پذیریم. ممکن است تبعاتی هم داشته باشد که دارد، ولی یک اتفاق است و این زمینه ایجاد می‌شود و حتما برای بعضی از این بازیگران اتفاقات خوبی می‌افتد و برخی از آنها به بازیگر محوری طنز تبدیل خواهند شد و در سریال‌های دیگر به آنان پیشنهاد داده خواهد شد. امیدوارم این بخش از ریسک کار آزادی مشروط برای مدیران تلویزیون و کسانی که قرار است ارزیابی کنند مد نظر قرار بگیرد و بگویند در کنار ساخت یک سریال، یک دوراندیشی استراتژیک در مورد خلق افراد جدید انجام می‌دهیم.

در صفحه شخصی اینستاگرام‌تان مرتب از مردم می‌خواهید که بازخوردها و نظرات‌شان را بیان کنند؛ تاکنون چه نظرات و بازخوردهایی دریافت کرده‌اید؟ با این‌که تولید کار تمام شده ولی هر شب از مردم می‌خواهید نظرات‌شان را بگویند دلیلش چیست؟ آیا می‌خواهید رگ خواب مخاطب برای کارهای بعدی دست‌تان بیاید یا هدف دیگری دارید؟

در همه کارهایم همین‌طور بوده و فیلم‌های سینمایی را قبل از این‌که به جشنواره‌ها بفرستم یا قبل از اکران عمومی در وبلاگم فراخوان می‌دادم و به‌صورت تصادفی در یک سینما مهمان دعوت می‌کردم و چند اکران می‌گذاشتم و از آنها نظرسنجی می‌کردم، فرم می‌دادم و پر می‌کردند که بهترین بازیگر کیست؟ و ریتم کار کجا کند یا کجا مناسب است؟

برای سریال آزادی مشروط هم قبل از پخش چنین کاری انجام دادم و سریال را به چند خانواده دادم، آنها دیدند و نظرات‌شان را بیان کردند و الان که پخش می‌شود با توجه به اتفاقات روز مثل مسائل سیاسی و چالش‌های فکری که مردم دارند، اغتشاشات، سیاست جدید تلویزیون که پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها سریال دیگری پخش می‌کند و بین سریال فاصله می‌افتد یا مناسبت‌هایی که بین سریال خورده همه ما را نگران می‌کند. یعنی وقتی با مقوله تلخی مثل کرونا، بازیگران جدید، ماسک داشتن صورت‌ها و همزمانی جام‌جهانی و اغتشاشات همگی دست به دست هم داده که ببینیم این انتخاب بازیگران، تجربه جدید و فرم جدیدی از کار طنز با مخاطب چه نسبتی برقرار می‌کند. واقعیت این است هیچ‌وقت نظرسنجی‌های رسمی خیلی در کتم نمی‌رود و ترجیح می‌دهم خودم یا بازیگر، مستقیم با مردم بگوییم. به همین خاطر بود که فروش فیلم‌های ما با نظرسنجی‌های دوستان متفاوت بوده است. باید بپذیریم جامعه هدف ما مخاطب عام بوده و زبانی که برای این کار و مخاطبی که انتخاب کردیم، متفاوت است. نوع کار این‌شکلی خیلی سخت‌تر از کار طنز معمولی و روتین سرگرمی‌سازی تلویزیون و کار نوروز و ماه‌رمضان است و شوخی با این مقولات بسیار سخت است و نگرانی ایجاد می‌کند. نظرسنجی‌هایی که در اینستاگرام خودم و بازیگران انجام می‌دهیم و بازخوردهایی که از مردم عادی در کف خیابان گرفته می‌شود، برایم مهم است و حتی ممکن است همین لحظه هم در ریتم کار و در تدوین در بعضی قسمت‌ها دست ببرم، با توجه به بازخوردهایی که از مخاطبان دریافت می‌کنم.

با توجه به اینکه بازیگرانی که در این سریال از آنها بهره برده‌اید، ذوق و قریحه زیادی در طنز دارند، چقدر در صحنه‌ها به آنها اجازه بداهه می‌دادید؟ به‌عنوان نمونه در صحنه خواستگاری و دیالوگ‌هایی که بین حسین رفیعی و علیرضا استادی شکل می‌گیرد که نمک سریال است، احساس می‌شد که بیشتر بداهه‌گویی دارند. تا چه میزان به بازیگران اجازه می‌دادید خارج از متن عملکرد داشته باشند؟

من در کارهایم بازیگرانی را می‌آورم که خودشان آورده‌ای داشته باشند، به‌ویژه در کارهای طنز خیلی مهم است. من با بازیگری که آورده نداشته باشد دفعه بعد کار نمی‌کنم. فیلمنامه پایه است و باید بازیگران در ادای لحن یا حتی تغییر جملات شب قبلش فکر کنند و در دورخوانی روز قبل از اجرا نظرات‌شان را ارائه دهند و اگر موردپسند بود در اجرا برداشت آن را می‌گیریم. یک بخش هم هست که به آن در کارگردانی می‌گوییم «آن»؛ یعنی وقتی روی سکانس تمرکز پیدا می‌کنیم، تازه بداهه‌پردازی‌مان شروع به گل کردن می‌کند و شروع به نوشتن می‌کنیم، به همین دلیل هر بازیگری نمی‌تواند با ما کار کند و عموما بازیگران تئاتری می‌توانند کار کنند که قدرت حفظ در لحظه و بداهه داشته باشند.

برخی از بازیگران سینما طبق آموزش‌هایی که به آنان داده شده، این است که متنی را حفظ می‌کنند و باید واو به واو آن را نیز مثل ماشین اجرا کنند؛ یعنی چیزی به متن اضافه نمی‌کنند. بنابراین اول در قرارداد به بازیگر می‌گوییم از همین الان به نقشت فکر کن و با توجه به لحن یا شخصیتی که پرداخته می‌شود ممکن است جمله‌ای در فیلمنامه تغییر ایجاد کند. باید به سؤال شما پاسخ مثبت بدهم، زیرا بعضی از سکانس‌ها سر صحنه نوشته می‌شود.

به‌عنوان مثال شوخی‌های کلامی در کار دیده می‌شود که مخاطب تصور می‌کند این موارد برگرفته از کف جامعه است که بازیگر بداهه دارد می‌گوید.

بله، گروه نویسنده هم از کف جامعه هستند و می‌نویسند و بازیگر می‌تواند به آن اضافه کند و بخشی هم سهم سرپرست نویسندگان است. ما براساس یک استراتژی از یک متن ۳۰ قسمتی ۵۲ قسمت درآوردیم که ۲۲ قسمت آن بازنویسی‌هایش در مرحله ساخت صورت گرفته است.

می‌شود گفت سریال آزادی مشروط غیر از این که طنز است و به ماجرای کرونا نگاهی دارد، یک سریال موزیکال هم هست. در همان قسمت اول می‌بینیم بچه‌ها سرود می‌خوانند و این در بخش‌های مختلف سریال ادامه دارد؛ مثلا در جلسه‌ای که پزشکان هستند بابک افرا که خواننده است در آن جمع می‌گوید که می‌خواهم برای‌تان بخوانم. چطور شد بابک افرا خواننده را آوردید؟ ماجرای موزیکال بودن سریال و این که ترجیح دادید موزیکال باشد چیست؟ زیرا تا به امروز به این شکل در تلویزیون سریال موزیکال نداشتیم.

این هم یکی از کارهای جدید است. البته در سریال‌ها معمولا ممکن است در سکانسی اتفاقی بیفتد و حتی در برخی از ملودرام‌ها شاید براساس سکانسی که رخ داده یا جدایی یا تراژدی ترانه غمگینی به کار برده شود؛ ولی در این سریال تعمدا ما با این نیت که در دوران کرونا گروه‌های سرود داشتیم که به بیمارستان‌ها می‌رفتند و برای کادر درمان و بیماران سرود اجرا می‌کردند را در سریال قرار دادیم، حتی ما خود همین گروه‌ها را آوردیم. چون روایت، روایت کروناست این نکته را می‌گوییم که بیش از ۹۰ درصد اتفاقات فیلمنامه برگرفته از واقعیت است؛ یعنی همه شخصیت‌ها، اتفاقاتی که برای پرستاران و بیماران رخ می‌دهد و حتی طنزها و شوخی‌های کلامی فیلمنامه شوخی‌های دوران کروناست؛ یعنی چیزی که آن دوران مردم برای هم می‌ساختند و برای شاد کردن یکدیگر کلیپ می‌فرستادند و ما برای این که در حافظه تاریخی مردم به‌عنوان خاطرات بماند همه را جزو متن قرار دادیم و یکی از این اتفاقات همین سرودهاست؛ یعنی سرودهایی که در آن دوران ساخته شده یا گروه‌هایی را که به میادین، معابر و بیمارستان‌ها می‌رفتند را آوردیم که آنها به‌عنوان یک خاطره در کار باقی بمانند و هدفمند بوده و با این نیت بوده که تلخی مقوله کرونا گرفته شود.

برای همین بابک افرا را در آن قسمت آوردید که خوانندگی کند؟

بابک افرا را آوردیم تا به خورد متن داده شود. البته می‌توانستیم به‌عنوان یک کلیپ مستقل بیاوریم اما وقتی او را جزو کادردرمان قرار می‌دهیم جزو داستان می‌شود؛ یعنی خواننده‌ای که پرستار است و از این کارها انجام می‌دهد.

یعنی می‌خواستید سریال‌تان به شکلی یک سند از دوران کرونا باشد؟

می‌خواستیم آزادی مشروط یک خاطره برای مردم باشد.

مردم دو سال پیش خیلی از کرونا می‌ترسیدند و ماسک می‌زدند ولی الان این نگاه را ندارند، نگران این موضوع نبودید در دوره‌ای که حساسیت مردم کم شده نسبت به سریال رغبت چندانی نشان ندهند و گارد بگیرند؟ چون در این سریال به اتفاقات روزهای وحشت مردم از کرونا از همان ابتدا پرداخته‌اید؟

بالاخره تلویزیون باید درخصوص کادردرمان و گروه‌های جهادی کاری می‌کرد. بعضی کارها یک کارکرد کوتاه‌مدت و یک کارکرد بلندمدت دارد و این سریال جزو این کارهاست. تلویزیون باید در همان مقطع ادای دین می‌کرد. ضمن این‌که هنوز کرونا تمام نشده و هشدارها را می‌دهند و دنیا به سمت شیب نزولی کرونا حرکت می‌کند.

برای حافظه تاریخی کوتاه‌مدت باید الان کاری انجام می‌شد و به کادردرمان، گروه‌های جهادی و کسانی که زحمت کشیدند ادای دین می‌شد. این نسل الان متوجه می‌شود که به‌عنوان مثال گوهر خانم با وسواسش این همه ضدعفونی می‌کند یعنی چی؟ اما ممکن است ۱۰ سال دیگر مخاطب جدید ارتباط برقرار نکند و متوجه نشود چرا مردم تا این میزان از کرونا می‌ترسند؟ یا چرا این کارها را انجام می‌دهند. شاید هم متوجه قصه نشوند.

زاویه

رفتارهای فانتزی

ده‌نمکی در پاسخ به این سؤال که چرا لقب سه کله‌پوک را برای علی مسعودی، سروش جمشیدی و علیرضا استادی استفاده می‌کنید. به‌ویژه این‌که بارها به این موضوع در شبکه اجتماعی‌تان تاکید کرده‌اید؟ می‌گوید: برای این‌که در جاهایی رفتارهای اینها فانتزی است و واقعی نیست. بنابراین چون فانتزی است نوع حرف زدن علیرضا استادی با ادبیاتش که می‌خواهد ادای مذهبی‌ها را دربیاورد یا نوع برخورد سروش جمشیدی یا بلاهت علی مشهدی به نوعی یک‌سری حماقت خود خواسته است. به همین دلیل بهترین عنوان همین کله‌پوک است که از آنها توقع خلافکار واقعی هم نباید داشته باشیم؛ چون بدیهی‌ترین روش‌های خلافکارانه را نیز رعایت نمی‌کنند و در عین حال دیگران هم اینها را پذیرفتند و مثلا طاها، آقای هروی و... متوجه می‌شوند اینها به‌نوعی از کار می‌دزدند یا کم‌کاری و تظاهر می‌کنند ولی به‌عنوان سه‌آدم مشنگ به تعبیر خودمانی‌تر یا کله‌پوک به مفهوم سینمایی‌اش آنها را می‌پذیرند. وقتی این عنوان را به آنان می‌دهم دیگر توقع تغییر می‌کند. شاید اگر امروز بود نام سریال را سه کله‌پوک می‌گذاشتم و بعد از دیدن سریال به این نتیجه رسیدم.

رویکرد

این کرونای دوست‌داشتنی!

منیژه خسروی
گروه رسانه

سندی موثق در اختیار نداریم تا بدانیم آیا مردم کشورهای دیگر هم به اندازه ما طناز هستند؟ مثلا وقتی کرونا همه را به وحشت انداخته بود، آیا فضای مجازی‌شان پر شد از شوخی؟! آیا «معتادان آنها» هم کرونا نمی‌گرفتند؟! بله، ما چنین مردمی هستیم که مواجهه سرخوشانه‌مان با اتفاقات تلخ یک امتیاز است و عاملی برای بالارفتن روحیه.

حتما مسعود ده‌نمکی، سال ۹۸ که کرونا وارد کشور شد با دقت همه اتفاقات را زیر نظر داشته است. این را خودش نگفته بلکه در سریالش یعنی «آزادی مشروط» هویداست که چنین کرده. داستان سریال جدید او از جایی شروع می‌شود که چند زندانی برای کمک به جهادگران به قید مشروط آزاد می‌شوند. طلیعه قصه یادآور شخصیت‌های فیلم «اخراجی‌ها» است که ظاهرا نسبتی با جبهه و جهاد ندارند اما در این اتمسفر متحول می‌شوند.

در آزادی مشروط نیز حضور شخصیت‌های آزادشده از زندان در میان جهادگران تضادی شکل می‌دهد که در وهله اول ایجاد موقعیت‌های کمدی می‌کند. مسعود ده‌نمکی برای مرور ماجراهای دوران همه‌گیرشدن ویروس کرونا زبانی کمدی برگزیده است و سراغ بازیگران طنازی چون علیرضا استادی، سروش جمشیدی، علی مشهدی، شهاب عباسی و دیگران رفته. این تصمیم برگ برنده آزادی مشروط در نگاه اول محسوب می‌شود؛ یعنی بهره‌مندی از مواد اولیه طنز برای روایت یک اتفاق تلخ. کارگردان البته تلخی‌ها را هم نادیده نگرفته که در بخش کادر درمان بیش از سایر قسمت‌های داستان تجلی یافته است.

ده‌نمکی به‌خوبی واقف بوده که برای همراه‌کردن مخاطب، نباید صرفا خاطرات تلخ را پیش چشم او قرار داد بلکه باید ماجرا را آغشته به طنازی کرد. کیست که از یادآوری وحشت همه‌گیرشدن کرونا و مرگ‌ومیرهای ناشی از آن خاطرش مکدر نشود؟ کارگردان برای مرور ماجرا، زبانی طنز اختیار کرده و به همین دلیل است که پیگیران، آزادی مشروط را با طیب خاطر به تماشا می‌نشینند. ضمن آن‌که دست‌گذاشتن روی خاطرات مشترک، مثل همان ویدئوی معروف «معتادا کرونا نمی‌گیرن» واجد ایجاد همدلی با سریال است. آزادی مشروط داستانش را بدون پیچیدگی روایت می‌کند و این از سبک فیلمسازی خود ده‌نمکی می‌آید. شاید این شیوه به مذاق برخی مخاطبان خوش‌نیاید اما دسته‌ای دیگر، چنین فرمولی را می‌پسندند.

سریال یک نکته مهم دیگر هم دارد و آن تحول تدریجی شخصیت‌هاست. این نگاه که شکل متعالی آن در فیلم اخراجی‌ها به بار نشست، یادآور این مسأله است که نباید آدم‌ها را سفید یا سیاه مطلق دید. همین زندانی‌های سریال آزادی مشروط آدم‌هایی هستند که وقتی در مسیر درست قرار می‌گیرند، آرام‌آرام به انسان‌هایی مفید برای جامعه تبدیل می‌شوند. ده‌نمکی در آثارش به‌خوبی این مفهوم را دراماتیزه کرده و حالا در آزادی مشروط بار دیگر آن را یادآور شده است.

سریال واجد نکات دیگری هم هست؛ ازجمله این‌که گذشته چراغ راه آینده است.

کرونا بار دیگر ثابت کرد با همدلی می‌توان از پس مشکلات برآمد. کروناتلنگر زد انسانی که دربرابر یک ویروس تا این اندازه مستاصل می‌شود، نباید فریب قدرت خود را بخورد. کرونا یادمان آورد که به وقت مشکلات هستند امثال جهادگران و کادر درمان که جان خود را برای نجات همنوعان کف دست می‌گیرند.

این روزها و با آغاز موج جدید کرونا در جهان، آزادی مشروط اهمیتی دوباره پیدا کرده است. سریال ضمن یادآوری آنچه اشاره شد، یک کلاس آموزشی است! این‌که ماسک و دستورالعمل بهداشتی را از یاد نبریم و بار دیگر با روحیه بالا و حس همدلی به مصاف دشمن مشترک برویم. آزادی مشروط از نظر ساختاری بی‌نقص نیست و می‌توان به آن نقدهایی وارد کرد.

بااین‌حال هم توانسته نظر طیف زیادی از مخاطبان را به دست آورد و هم نامش به‌عنوان یک سند تصویری دراماتیک درباره یک دوره خاص تاریخ کشورمان ثبت شده است.

نگاه

سریالی ماندگار به نام «پایتخت»

سریال «پایتخت» را باید از جمله مجموعه‌های محبوبی دانست که هنوز هم بازپخش آن با استقبال مخاطبان همراه می‌شود. این سریال به کارگردانی سیروس مقدم و تهیه‌کنندگی الهام غفوری بود که در شش فصل از شبکه یک پخش شد. فصل اول سریال ماجرای خانواده نقی معمولی را روایت می‌کند که تصمیم می‌گیرند از شیرگاه به تهران کوچ کنند اما هنگام ورود به پایتخت با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. در این فصل، صاحبخانه می‌میرد و وراث حاضر به تحویل خانه نمی‌شوند، به این ترتیب در پی مشکلاتی که در تهران برای آنها پیش می‌آید، مجبور می‌شوند مدتی را در کامیون ارسطو (احمد مهران‌فر) زندگی کنند. در فصل‌های بعد، اتفاق‌های دیگری سر راه خانواده نقی معمولی قرار می‌گیرد. فصل پنجم این سریال به واسطه پرداختن به مسأله داعش، توانست مخاطبان بیشتری را به خود جذب کند. مقدم، دلیل نام‌گذاری این سریال را این‌طور بیان کرده بود: به‌دلیل این‌که خانواده سریال از شهر دیگری وارد تهران، پایتخت ایران می‌شوند و دچار برخی معضلات می‌شوند، پایتخت نام گرفت و این اسم هم روی آن ماند، حتی در سری چهارم که شاید قصه‌اش به تهران هم کشیده نشد ولی به هرحال مردم این مجموعه را به نام پایتخت می‌شناسند.

مکث

«خروس» پدر و پسری

سریال «خروس» از دیگر کارهای سعید آقاخانی بود که با نویسندگی مصطفی کیایی و تهیه‌کنندگی علیرضا ابراهیمی روی آنتن شبکه دو رفته بود. این سریال که محصول سال ۱۳۹۲ بود، به‌مناسبت ماه رمضان همان سال پخش شد. البته ابتدا قرار بود در تعطیلات نوروز پخش شود که بعد به ماه رمضان افتاد. در واقع سازندگان مجموعه تلویزیونی خروس که در میانه‌های تولید بودند، موظف شدند با افزایش تعداد قسمت‌ها، آن را برای ماه رمضان آماده کنند. خروس در سال ۱۳۹۲ و در ۲۱ قسمت پخش شد. این سریال روایتی از زندگی پدری است که دچار مشکل غیرمنتظره‌ای می‌شود. این مشکل خانواده را به تکاپو می‌اندازد و پسر خانواده با همفکری دوستانش تلاش می‌کند تا چاره‌ای برای رفع این مشکل بیندیشد. در نقشه بچه‌ها، مغز متفکر یک خروس است. ازجمله بازیگران این سریال می‌توان به جواد رضویان، یوسف تیموری، مرضیه صدرایی، سپند امیرسلیمانی و مرحوم کریم اکبری مبارکه و عزت‌ا... مهرآوران اشاره کرد. این سریال قبل از کارگردانی سعید آقاخانی برای مجموعه تلویزیونی نون خ بود و توانست مثل نون خ با اقبال مخاطبان همراه شود.

نما

یک سریال با لوکیشن‌های فراوان

برخی کارگردانان برای ساخت آثارشان به سراغ لوکیشن‌های متفاوت می‌روند. گرچه این موضوع کار آنها را سخت می‌کند اما ترجیح می‌دهند صحنه‌ها برای مخاطبان به تکرار نرسد. مسعود ده‌نمکی هم از این دست کارگردانان است که در ساخت آثارش به سراغ لوکیشن‌های متفاوت می‌رود. او در سریال آزادی مشروط از تعدد لوکیشن‌های مختلف استفاده و تلاش کرد صحنه‌ها برای مخاطبان یکنواخت نباشد.